دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر
فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی فضای جغرافیایی

سال دوازدهم، شماره‌ی ۴۰
زمستان ۱۳۹۱، صفحات ۴۶-۲۵

هادی اعظمی[۱]
علی‌اکبر دبیری[۲]

ارزیابی فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران در آسیای مرکزی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۰۹/۱۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۰٤/۳۰

چکیده

آسیای مرکزی یکی از مناطق ژئوپلیتیکی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد. این منطقه که شامل ۵ کشور مسلمان ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و قزاقستان می‌باشد، بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱م. بر نقشه جغرافیای سیاسی جهان ظاهر گشت. شکل‌گیری این منطقه ژئوپلیتیکی در شمال شرقی ایران و دارا بودن مرزهای طولانی آبی- خاکی با کشورهای این منطقه به همراه برخی از ویژگی‌های داخلی و بین‌المللی، فرصت‌ها و چالش‌های متعددی را پیش روی دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی ایران قرار داده است. در این میان فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی به دلیل ماهیت جغرافیایی و دوام و پایداری بیشتر، از اهمیت دو چندانی بر خوردار هستند. شناسایی این عوامل می‌تواند زمینه مناسبی را برای طراحی یک راهبرد کارآمد در این منطقه فراهم سازد. در این مقاله تلاش شده است ضمن بررسی عوامل ژئوپلیتیکی موثر در روابط ایران با کشورهای آسیای مرکزی به طبقه بندی آنها از نوع فرصت و تهدید و همچنین عواملی با ویژگی‌های دوگانه (فرصت- تهدید) پرداخته شود.

۱- استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد. E-mail: aazami@um.ac.ir
۲- دانش‌آموخته جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد. E-mail: a.a.dabiri۱۳۶۵@gmail.com

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

کلید واژه‌ها: آسیای مرکزی، جمهوری اسلامی ایران، فرصت ژئوپلیتیکی، چالش ژئوپلیتیکی، منطقه ژئوپلیتیکی.

مقدمه

آسیای مرکزی در طول تاریخ با عشایر و جاده ابریشم شناخته شده است و مانند جاده‌ای برای پیوند مردم، جابجایی کالاها و اندیشه‌ها بین اروپا، خاورمیانه، آسیای جنوبی و آسیای شرقی عمل کرده است (گلی زواره، ۱۳۷۳: ۲۶). این منطقه با نزدیک به ۶۰ میلیون نفر جمعیت و ۳۹۹٤٤۰۰ کیلومتر مربع مساحت، مجموعاً نزدیک به ۱۰ درصد مساحت قاره آسیا را به خود اختصاص داده است. کشورهای آسیای مرکزی از نظر ژئواستراتژیکی، موقعیت برجسته‌ای در نقشه جهان دارند، تاجیکستان، ازبکستان، قزاقستان، ترکمنستان و قرقیزستان، میان روسیه، چین و هند قرار داشته و از جنوب بلوک کشورهای مسلمان، یعنی افغانستان، ایران و پاکستان آن را احاطه کرده‌اند (شربیانی، ۱۳۸۷: ۹۳). بعد از جنگ سرد، ژئوپلیتیک[۳] و ژئواستراتژی[٤] آسیای مرکزی، منابع و ذخایر فراوان نفت و گاز خزر، موقعیت گذرگاهی، ارتباطی و ارزش استراتژیک دریای خزر، کنترل تولید منابع و خطوط لوله انرژی، توان تأثیرگذاری بر بحران‌های منطقه و علائق مشترک فرهنگی، تاریخی و اقتصادی میان کشورهای منطقه با برخی همسایگان، باعث شده است که قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای تحقق اهداف خود و پرکردن خلاء قدرت در آسیای مرکزی به رقابت با یکدیگر بپردازند (افشردی، ۱۳۸۱: ٦). کشورهای این منطقه پس از استقلال با دو تحول ژئوپلیتیکی داخلی و منطقه‌ای مواجه شدند. یکی مسائل سیاسی، قومی، هویتی و مرزی به جامانده از دوران حکومت شوروی و تحول دیگر مربوط به دوران پس از جنگ سرد می‌باشد که فضای ژئوپلیتیک جدیدی در این منطقه به وجود آورده است. این تحولات از یک سو موجب خلاء قدرت در منطقه به دلیل شرایط حاکم بر روسیه گردید و از سوی دیگر صحنه‌ای برای رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شده که هرکدام اهداف و منافع خود را دنبال می‌کنند (واعظی، ۱۳۸۷: ۵۹). جمهوری اسلامی ایران نیز به دلیل مجاورت جغرافیایی و اهداف و دلایل مختلف سیاسی- امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و ژئوپلیتیکی خواستار حضوری قدرتمند در این منطقه و برقرار کردن ارتباط نزدیک و مناسب با کشورهای اسلامی آن است. اما برقراری ارتباط مناسب و ایجاد یک همگرایی بادوام مستلزم شناسایی پتانسیل‌ها و قابلیت‌ها و همچنین چالش‌ها و تهدیدات موجود در منطقه می‌باشد. در این میان عوامل ژئوپلیتیکی از نوع فرصت یا چالش، به دلیل ماهیت جغرافیایی و دوام و پایداری بیشتر نقش کلیدی را در طراحی و تدوین یک راهبرد کارآمد که زمینه ساز دستیابی به اهداف و منافع ملی ایران در منطقه باشد فراهم می‌آورند.

مواد و روش‌ها

۳. Geopolitics

٤. Geostrategy

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

این پژوهش با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و مبتنی بر استدلال می‌باشد. روش جمع آوری داده‌ها و اطلاعات نیز با استفاده از روش‌های گوناگون و به طور کلی بر مبنای روش کتابخانه‌ای و استفاده از وب سایت‌های اینترنتی است. ضمن اینکه در این پژوهش تلاش شده است تا برای درک و فهم بهتر مطالب به اندازه کافی از نقشه استفاده شود.

این مقاله با توجه به رویکرد جغرافیای سیاسی آن، به دنبال شناسایی مهم‌ترین فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی می‌باشد. سوال اصلی تحقیق این است که: مهم‌ترین فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران در منطقه آسیای مرکزی کدامند؟

بر همین اساس، این تحقیق در راستای سه فرضیه زیر تدوین و مورد آزمون قرار گرفته است:

فرضیه اول: به نظر می‌رسد عامل مزیت متقابل موقعیت جغرافیایی، پیوندهای قومی، زبانی و تمدنی و همچنین سازمان‌های منطقه‌ای با عضویت ایران و کشورهای آسیای مرکزی مهم‌ترین فرصت‌های ژئوپلیتیکی ایران در این منطقه باشد.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، بحران‌های قومی و رشد بنیادگرایی اسلامی، رقابت در ژئوپلیتیک انرژی با روسیه و گسترش ناتو به این منطقه مهم‌ترین چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران در آسیای مرکزی باشد.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، مسئله مواد مخدر، بحران آب و مسائل زیست محیطی در آسیای مرکزی علی رغم ماهیت تهدید زا، با عملکرد هوشمندانه ایران فرصت آفرین خواهند بود.

بیان مساله

ایران در منطقه آسیای جنوب غربی واقع شده است، این منطقه از ۵ حوزه ژئوپلیتیکی تشکیل شده است که ایران نقطه کانونی و محل تلاقی این مناطق به شمار می‌آید. این ۵ حوزه ژئوپلیتکی عبارتند از: آسیای مرکزی، شبه قاره، قفقاز، خلیج فارس و خاورمیانه. این حوزه‌های ژئوپلیتیکی بر پایه یک منطقه یا فضای جغرافیایی متجانس از حیث ساختاری و کارکردی شکل گرفته‌اند. پیدایش منطقه ژئوپلیتیکی[۵] مستلزم باردار شدن سیاسی منطقه جغرافیایی و عناصر آن است. به عبارتی اگر عناصر کارکردی و ساختاری یک منطقه جغرافیایی به صورت انفرادی و اجتماعی، یا به صورت ناقص یا کامل از بعد سیاسی نقش آفرینی شود، منطقه جغرافیایی تغییر ماهیت داده به صورت یک منطقه ژئوپلیتیکی در صحنه ظاهر می‌شود (حافظ نیا و کاویانی راد، ۱۳۸۳: ۷۲). آسیای مرکزی یکی از مناطق ژئوپلیتیکی پیرامون جمهوری اسلامی ایران است که عناصر طبیعی (نفت، گاز، موقعیت جغرافیایی...) و انسانی (ویژگی‌های قومی، مذهبی، جمعیتی و...) آن کارکرد سیاسی پیدا کرده‌اند و نظر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به خود جلب کرده است. به این ترتیب شکل‌گیری این منطقه ژئوپلیتیکی در جناح شمال شرقی ایران، فرصت و چالش‌هایی

۵ - Geopolitical Region

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

را از منظر ژئوپلیتیکی برای این کشور به همراه داشته است. که طبق تعریف، فرصت و چالش ژئوپلیتیکی را می‌توان به این صورت بیان کرد: فرصت ژئوپلیتیکی[۶] عبارتست از بهره‌گیری از عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیکی به منظور افزایش قدرت ملی و ارتقای موقعیت کشور در نظام بین‌الملل (ارزش‌ها و عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی دارای طیف گسترده‌ای از عوامل انسانی، طبیعی، فضائی، مکانی و غیره می‌باشند) و چالش ژئوپلیتیکی[۷] نیز عبارتست از ایجاد وضعیت برای یک دولت یا کشور بر پایه عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیکی و متأثر کردن سیاست آن کشور با استفاده از شاخص‌ها و عوامل جغرافیایی (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۲۱۳). کاربرد یک یا تعدادی از ارزش‌ها و عوامل جغرافیایی بر علیه کشور رقیب یا حریف می‌تواند آن را به زانو در آورده و مواضع سیاسی وی را منفعل نماید و سبب شود تا بازیگران، خواست‌ها و اراده خود را بر آن تحمیل نماید (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۲۱). در واقع می‌توان گفت از آنجایی که ژئوپلیتیک به بررسی فضاهای جغرافیایی و عناصر موجود در آن در روابط بین قدرت می‌پردازد، فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی نیز به نحوه‌ی استفاده از این فضاها و عناصر آنها توسط قدرت‌ها مربوط می‌شود. بنابراین ایران در منطقه ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی دارای فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی می‌باشد که این عوامل با توجه به نحوه‌ی استفاده و برخورد این کشور و سایر قدرت‌های موجود در منطقه می‌تواند تغییر ماهیت و کارکرد نیز بدهند.

فرصت‌های ژئوپلیتیکی ایران در آسیای مرکزی

مزیت‌های متقابل موقعیت جغرافیایی ایران و کشورهای آسیای مرکزی

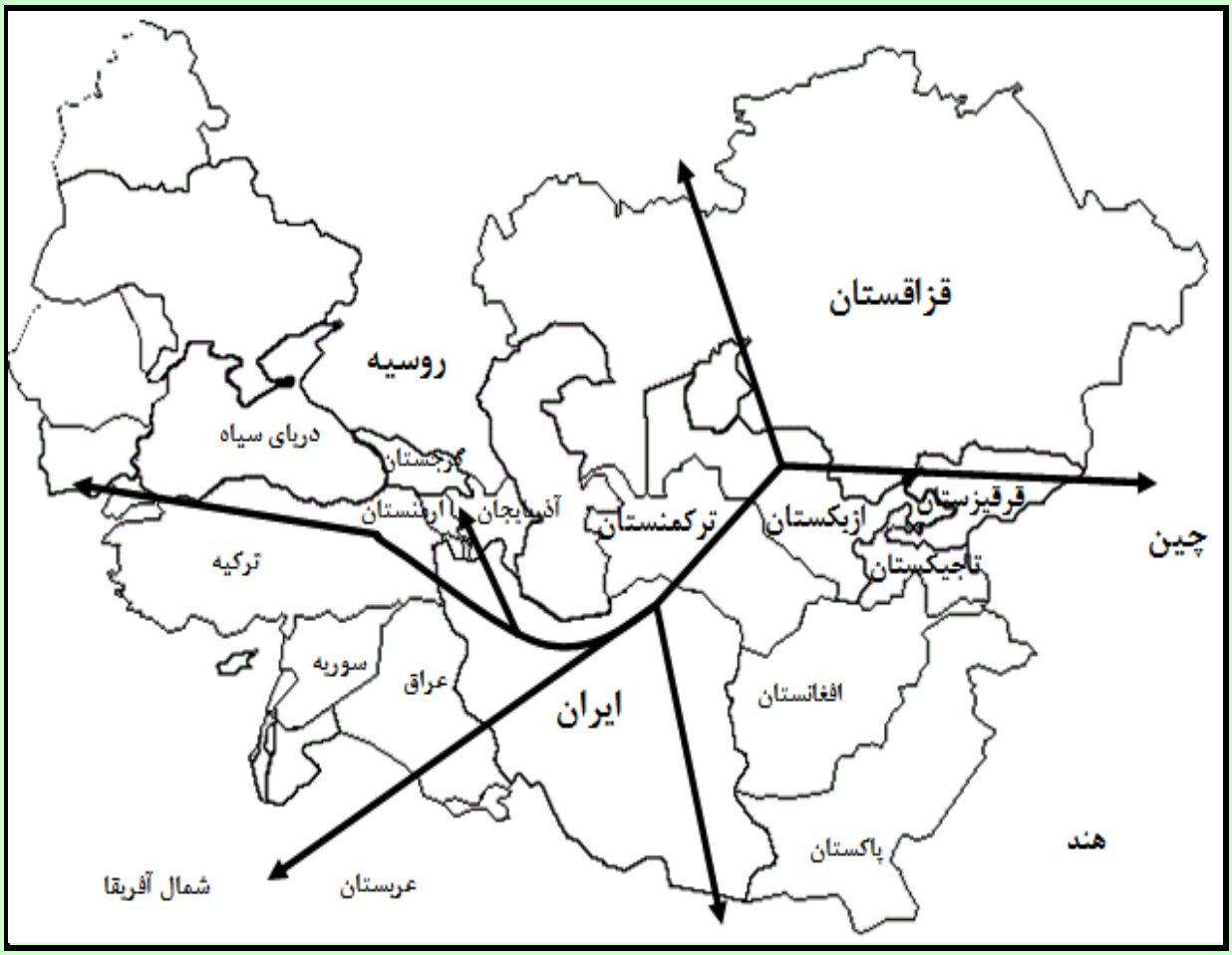
ایران از طریق خشکی (ترکمنستان) و آبی (دریای خزر) با کشورهای آسیای مرکزی ارتباط دارد. ایران پس از عراق بیشترین طول مرزی را با ترکمنستان دارد. همچنین در دریای خزر با این کشورها مرز مشترک دارد که به دلیل مشخص نبودن رژیم حقوقی دریای خزر کم و کیف آن به درستی مشخص نیست. موقعیت و ویژگی‌های جغرافیایی ایران و کشورهای آسیای مرکزی به شکلی است که با یکدیگر دارای نوعی وابستگی ژئوپلیتیکی[۸] هستند. که شامل وابستگی منافع و اهداف ملی یک کشور یا بازیگر سیاسی به ارزش‌ها و مزیت‌های جغرافیایی کشورها و بازیگران سیاسی دیگر است. این وابستگی متقابل جغرافیایی، فلسفه همکاری و تعامل بین‌المللی و توسعه و تکامل سیستم سیاسی جهان است (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱٤٦). مزیت‌های ژئوپلیتیکی و جغرافیایی از طیف وسیعی برخوردارند که دو مورد از مهم‌ترین آنها مسیر کریدوری و ارتباطی و همچنین دسترسی به آب‌های آزاد جهان می‌باشد که کشورهای آسیای مرکزی در این زمینه به شدت به ایران وابسته هستند (تقوی اصل، ۱۳۷۹: ۱۰۲) علاوه بر این ایران دارای موقعیت بسیار مناسبی در زمینه انتقال انرژی آسیای مرکزی از طریق خلیج فارس به بازارهای جهانی است و همچنین می‌تواند انرژی این منطقه را بدون عبور از روسیه به اروپا منتقل کند و از وابستگی ژئوپلیتیکی این کشورها

---

۶ - Geopolitical Opportunity
۷ - Geopolitical Challenge
۸ - Geopolitical Dependency

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

به روسیه بکاهد که این امر مورد حمایت کشورهای اروپایی نیز خواهدبود. مسیر ایران، اقتصادی‌ترین و امن‌ترین و کوتاه‌ترین راه انرژی منطقه است و شبکه راه آهن ایران نیز توان ترانزیت ۲۰ میلیون تن کالا را در سال دارند. از سویی ایران نقش کلیدی در شاهراه‌های موجود منطقه یعنی جاده ابریشم، راه آهن سراسری آسیا، تراسیکا و کریدور شمال و جنوب دارد. اقتصاد ایران و آسیای مرکزی نیز از توان هم تکمیلی جدی برخوردارند. اگرچه هنوز حجم مبادلات میان ایران و جمهوری آسیای مرکزی نزدیک به یک میلیارد دلار می‌باشد، اما ظرفیت‌های فراوانی برای رشد آن وجود دارد (سنایی، ۱۳۸٦: ۳۹۲).



نقشه شماره ۱: مزیت‌های متقابل موقعیت جغرافیایی ایران و کشورهای آسیای مرکزی

ترسیم از: نگارندگان

علاوه بر مزیت‌های موقعیت جغرافیایی ایران برای کشورهای آسیای مرکزی، ویژگی کشورهای آسیای مرکزی نیز مزیت متقابلی برای ایران فراهم می‌آورد، این مسئله از اهمیت مضاعفی برای تبدیل به منافع ملی برخوردار است. راه شمال شرقی برای ایران به دلایل زیر به عنوان یک فرصت متقابل مطرح است: ۱- احیای جاده ابریشم ۲- دسترسی زمینی به شرق دور و جنوب شرقی آسیا ۳- دسترسی به چین بدون عبور از مسیر رقیب آن یعنی هند ٤- استفاده از

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

بازارهای آسیای مرکزی (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۸٦: ۱۱۹). در هر صورت بهره گیری از مزیت‌های متقابل موقعیت جغرافیایی بین ایران و کشورهای آسیای مرکزی زمینه پایداری برای حضوری موثر و قدرتمند را در منطقه برای ایران فراهم می‌آورد.

اشتراکات فرهنگی، تاریخی، قومی و زبانی

اشتراکات فرهنگی و تاریخی ایران با کشورهای آسیای مرکزی به گذشته باز می‌گردد. قلمرو جغرافیایی واحد در گذشته باعث گردیده بود که این کشورها رویکرد اقتباسی به فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی داشته باشند (ابراهیمی ترکمان، ۱۳۸۵: ۲). شکل‌گیری سلسله‌های ایرانی طاهریان، صفاریان، سامانیان، آل‌بویه، غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان، مردمان این منطقه را به همراه ایرانیان در درون یک دولت واحد قرار داده و باعث شکل‌گیری هویت مشترک در بین مردمان این مناطق گردیده است (نوروزی، ۱۳۸۵: ۷). مردم کشور تاجیکستان عموماً فارسی زبانند و تکلم به فارسی دری در میان ایشان رواج دارد. بسیاری از اقوام ساکن در کشور ترکمنستان به ویژه در اطراف عشق آباد و مرو و همچنین در کشور ازبکستان و در شهرهای سمرقند و بخارا با زبان پارسی آشنا هستند (محمودی، ۱۳۸٦: ۱۰). پیوند میان متغیرهای فرهنگی و خرده فرهنگ‌ها و سیاست خارجی را از طریق تاکید بر سه بعد فرهنگی مورد مطالعه قرار می‌دهند. نخست شامل اعتقادات و اسطوره‌هایی می‌شود که به تجربه‌های تاریخی یک ملت و رهبرانش و نیز دیدگاه‌هایی که آنها نسبت به نقش و موقعیت جاری کشور خود در عرصه جهانی دارند ارتباط پیدا می‌کند. دومین مورد مربوط می‌شود به تصاویر و برداشت‌هایی که نخبگان سیاسی و عامه مردم نسبت به سایر ملت‌ها، نواحی دنیا و سایر بازیگران سیاست جهانی در ذهن خویش دارند و بالاخره سومین مورد فرهنگی عادات و ایستارها نسبت به حل مشکلات به طور اعم و برخورد با اختلافات و منازعات بین‌المللی به طور اخص می‌باشد (قوام، ۱۳۸٤: ۲۹۱). ایران در هر سه زمینه دارای موقعیت و جایگاه قابل توجهی در بین مردم و نخبگان سیاسی کشورهای این منطقه می‌باشد. بنابراین استفاده مناسب از تجانس‌های ساختاری (شامل: قومیت، زبان، دین، تاریخ مشترک و مشخصه‌های فرهنگی و اجتماعی) جمهوری اسلامی ایران نسبت به کشورهای آسیای مرکزی موجب می‌گردد به صورت انعکاسی، فرصت‌هایی در زمینه ایجاد و تقویت سازمان‌های مشترک فرهنگی، ادبی، علمی، آموزشی و همچنین اقتصادی با کارکردهای منطقه‌ای فراروی جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۸٦: ۱۰۷). در واقع همگرایی فرهنگی که بین ایران و کشورهای آسیای مرکزی وجود دارد یک فرصت ژئوپلیتیکی در ایجاد یک همگرایی منطقه‌ای[۹] با کشورهای این منطقه به شمار می‌آید که سایر قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای (چین، روسیه، آمریکا، ترکیه، اتحادیه اروپا) تا حدود زیادی از آن بی بهره هستند.

سازمان‌های منطقه‌ای با حضور ایران و کشورهای آسیای مرکزی (اکو و شانگهای)

۹ - Regional Convergence

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

سازمان‌های منطقه‌ای[۱۰] یک گام رو به جلو برای ایجاد یک همگرایی منطقه‌ای بشمار می‌روند. خلق و ایجاد سازمان‌های جدید که تحت عنوان مؤسسات جدید از آنها نام برده می‌شود و همچنین اهمیت دادن به سازمان‌های غیر دولتی، ظرفیت و پرستیژ را برای تأثیرگذاری در سطح منطقه افزایش می‌دهد. ایران با درک این موضوع، بهتر می‌تواند با خلق و ایجاد سازمان‌های منطقه‌ای به افزایش پرستیژ و نفوذ خود در منطقه بیندیشد (رضایی، ۱۳۸٤: ۲۱۹-۲۲۰) از جمله سازمان‌های منطقه‌ای که ایران و کشورهای آسیای مرکزی در آن حضور دارند، سازمان همکاری اقتصادی (اکو) و سازمان همکاری شانگهای می‌باشد (البته ایران عضو ناظر است و ترکمنستان هنوز عضویت را نپذیرفته است). استفاده از ساختار تشکیلاتی و قانونی این سازمان‌ها در زمینه امضای قراردادها و تفاهم نامه‌های همکاری در زمینه‌های مختلف اقتصادی، تجاری، انرژی، فرهنگی، سیاسی و حتی امنیتی باعث همکاری و همگرایی بیشتر ایران و کشورهای آسیای مرکزی شود.

سازمان همکاری اقتصادی[۱۱] (اکو)

با فروپاشی شوروی سابق، جمهوری‌های تازه استقلال یافته آسیای مرکزی که به پایگاهی نیاز داشتند تا هم استقلال خویش را تضمین کنند و هم توسعه اقتصادی و رفاه مردم خویش را بهبود ببخشند. با توجه به روابط فرهنگی نزدیکی که با بنیان گذاران اکو داشتند در سال ۱۳۷۱ به این سازمان پیوستند. آذربایجان، افغانستان، ترکمنستان، ازبکستان، قرقیزستان، قزاقستان و تاجیکستان با امضای سند الحاق به عهد نامه ازمیر در تاریخ ۷ آذر ۱۳۷۱ (۲۸ نوامبر ۱۹۹۲) به عضویت دائم اکو در آمدند (میرزائی، ۱۳۸۵: ۱۲۵). از آنجا که ایران در اکو دارای موقعیت مرکزی است و آن را سازمان منطقه‌ای خود می‌داند از پتانسیل‌های این سازمان برای هر چه نزدیکتر شدن با کشورهای آسیای مرکزی استفاده می‌کند. از جمله فرصت‌های که ایران و کشورهای آسیای مرکزی در ایجاد یک همگرایی منطقه‌ای در چهارچوب اکو دارند عبارتند از: سطح توسعه اقتصادی و مکملیت آن، موقعیت ترانزیتی و حمل و نقلی، همکاری در زمینه انرژی (نفت و گاز)، پیوندهای زبانی- فرهنگی و قومی، اجرای پروژه‌های مشترک عمرانی و اقتصادی (سد سازی، بزرگراه و ...).

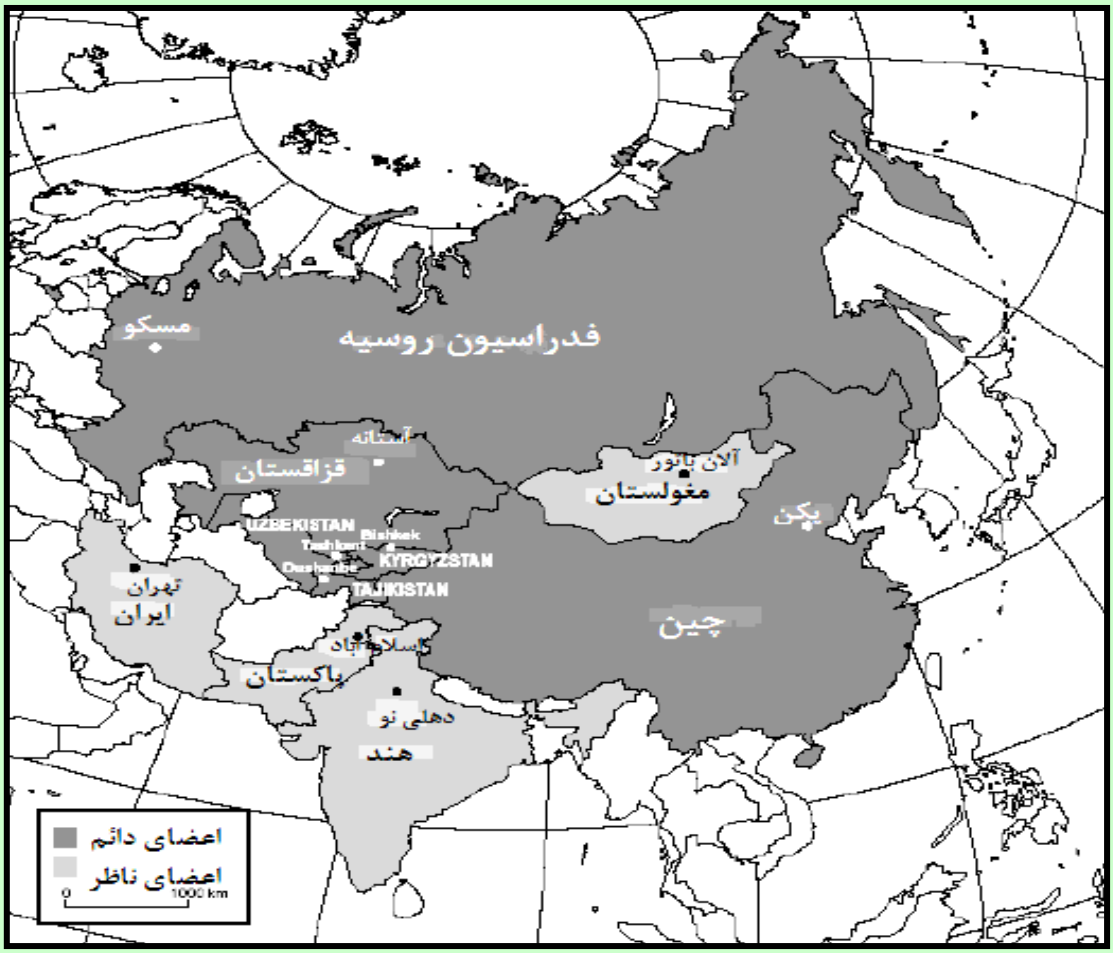
سازمان همکاری شانگهای

سازمان همکاری شانگهای (SCO) نیز یک پیمان منطقه‌ای است که قلمرو جغرافیایی وسیعی را در حیطه قاره اوراسیا در برگرفته است. ایران در سال ۲۰۰٤ به عضویت ناظر این سازمان در آمد (خانی، ۱۳۸۵: ۵۷). کشورهای عضو و ناظر سازمان همکاری شانگهای، جمعیتی در حدود دو میلیارد و هشتصد و چهار میلیون نفر، یعنی بیش از

۱۰ - Regional Organizations
۱۱ - Economic Cooperation Organization

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

۴۳ درصد کل جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. منطقه‌ای که این کشورها را دربر می‌گیرد نیز سرزمین‌های بسیار گسترده‌ای را شامل می‌شود. مساحت کل این منطقه بالغ بر ۳۷ میلیون کیلومتر مربع است (رحمان، ۱۳۸۵: ۱۲۹- ۱۲۸).



نقشه شماره ۲: کشورهای عضو و ناظر سازمان همکاری شانگهای مأخذ: (Olderg, ۲۰۰۷: ٤)

به طور کلی اهمیت منطقه‌ای و بین‌المللی سازمان همکاری شانگهای را به دلایل زیر می‌توان مورد توجه قرار داد:

۱- سازمان در منطقه‌ای است که دو قطب بزرگ اقتصادی- سیاسی امروز و جهان کمونیستی سابق را در کنار هم گردآورده است.۲- برقراری همکاری‌های مکمل در زمینه فن آوری های مورد نیاز. ۳- همکاری در مبارزات علیه تروریست در سال‌های آغازین هزاره جدید.٤- نهاد گرایی امنیتی، ایجاد سازمانی با قابلیت برپایی مانورهای نظامی به منظور مقابله با تهدیدات امنیتی در دستور کار این پیمان منطقه‌ای قرار دارد.۵- ایجاد بلوک اقتصادی، سیاسی و نظامی با پتانسیل‌های نوظهور: بسیاری از تحلیل گران سازمان همکاری شانگهای را در راستای ظهور یک قدرت جدید در مقابل بلوک غرب می‌دانند. ٦- قابلیت خلق راهبرد جدید برای پشت سر گذاشتن سایر قدرت‌ها. ۷-

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

گردآوری سه حوزه تمدنی کنفوسیوسی[۱۲]، ارتدوکسی[۱۳] و اسلامی در زیر یک پرچم همگرایی. پیمان منطقه‌ای جدید از معدود سازمان‌هایی است که حوزه تمدنی انگلوساکسونی[۱٤] را در خود جای نداده است و می‌تواند خالق هویتی مستقل و غیر انگلو ساکسونی باشد (یوسفی، ۱۳۸٦: ٤۷۳). این پیمان به دلیل عدم حضور و نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای (ترکیه، آمریکا، اسرائیل و اتحادیه اروپا) فرصت مناسبی را در اختیار ایران قرار می‌دهد تا در کنار سایر اعضای پر نفوذ (روسیه و چین) روابط و حضور خود را با کشورهای آسیای مرکزی گسترش دهد و میزان مراودات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی را در چهارچوب این سازمان گسترش داده و در نتیجه شرایط را برای یک همگرایی منطقه‌ای کارآمد فراهم سازد. از آنجایی که آسیای مرکزی تنها منطقه ژئوپلیتیکی پیرامون کشورمان به شمار می‌آید که ایالات متحد در آن دارای قدرت بلامنازع نیست عضویت در این سازمان و ساز و کارهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی آن باعث ارتقاء محیط امنیتی ایران و جلوگیری از تکمیل شدن محاصره استراتژیک ایران خواهد شد.

چالش‌های ژئوپلیتیکی

رشد بنیادگرایی اسلامی و بحران‌های قومی

از بررسی اجمالی پنج کشور واقع در منطقه آسیای مرکزی مشخص می‌شود که در این منطقه سه کشور ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان به نسبت دو کشور قزاقستان و ترکمنستان مشکلات بیشتری را در رابطه با رشد رادیکالیسم دینی داشته‌اند. در بین سه کشور فوق نیز دره فرغانه[۱۵] واقع در مرز مشترک تاجیکستان، ازبکستان، و قرقیزستان منطقه مرکزی فعالیت‌های گروه‌های اسلام گرا می‌باشد. علت تمرکز گروه‌های افراطی اسلام گرا در این منطقه نیز شرایط مناسب جغرافیایی آن جهت اختفاء، همجواری با سه کشور ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان و قوت اعتقادات ساکنان این منطقه می‌باشد. استان سغد[۱٦] و مرکز آن شهر خجند[۱۷] در شمال تاجیکستان و اوش[۱۸] در جنوب قرقیزستان نیز از دیگر مراکز عمده فعالیت گروه‌های اسلام گرا در سطح منطقه آسیای مرکزی می‌باشد (شکاری، ۱۳۸۵: ۱۱٦). رادیکالیسم دینی و افراط گرایی اسلامی در منطقه آسیای مرکزی به سه علت برای ایران چالش آفرین خواهد بود: نخست آنکه از آنجایی که حکومت جمهوری اسلامی ایران حکومتی دینی و ایدئولوژیک می‌باشد و دارای اهداف مذهبی و اعتقادی است، وجود و ظهور گروه‌های اسلامی رادیکال و خشونت طلب در منطقه آسیای مرکزی و اقدامات تروریستی آنان، وجهه حکومت مذهبی و اسلامی ایران را خدشه دار می‌کند که این امر با تبلیغات منفی کشورها و رسانه‌های غربی تشدید می‌شود. دوم آنکه اغلب این گروه‌های خشونت طلب در منطقه دارای عقاید تکفیری و پیرو مذهب وهابیت (طالبان) می‌باشند که معمولاً در کشورهای پاکستان و عربستان آموزش مذهبی

۱۲ - Confucius
۱۳ - orthodoxy
۱٤ - Anglo-Saxon
۱۵- Fergana valley
۱٦ - Sughd
۱۷ - Khujand
۱۸ - Osh

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

دیده‌اند (کاویانی راد، ۱۳۸۹: ۲٤۰) و دارای عقاید ضد شیعی هستند و شیعیان را به مثابه کافران می‌پندارند. وجود این گروه‌های ضد شیعی در مجاورت ایران که در آن حکومت و اکثریت مردم شیعه مذهب می‌باشند، پیامدهای منفی امنیتی را برای این کشور به همراه خواهد داشت؛ و در نهایت این که حرکت‌ها و رفتارهای این گروه‌های تندرو اسلامی باعث فاصله گرفتن رهبران کشورهای آسیای مرکزی از اسلام و شکل گیری حکومت‌های سکولار به شکل غربی در منطقه شده است که این امر نیز برای حکومت دینی و مذهبی ایران چندان خوشایند نمی‌باشد.

علاوه بر افراط گرایی اسلامی، قوم گرایی یکی دیگر از مهم‌ترین معضلات این جمهوری‌ها می‌باشد که این امر موجب ستیزه جویی‌های سیاسی در داخل این جمهوری‌ها و تأثیرات آن بر کشورهای همسایه از جمله ایران می‌شود (شربیانی، ۱۳۸۸: ۳۰۱). ریشه بحران‌های قومی در آسیای مرکزی را می‌توان در کشیده شدن مرزهای تحمیلی میان جمهوری‌های این منطقه در زمان اتحاد جماهیر شوروی دانست. به طوری که شهرها و مناطقی با قومیت و ملیت خاص به کشوری با قومیت متمایز داده شده است. در شوروی سابق، وحدت جغرافیایی و اقتصادی دره فرغانه در اثر ایجاد مرزی که تقسیم قومی میان جمهوری به وجود آمده برای ملت‌های تاجیک و قرقیز را مشخص می‌کرد از میان رفته بود (مویر، ۱۳۷۹: ۱۱) و این منطقه (دره فرغانه) امروز تبدیل به کانون افراط گرایی اسلامی در قلب آسیای مرکزی شده است، مناقشات قومی به تخریب بسیاری از ساختارهای اقتصادی و صنعتی، رشد و شیوع جرایم سازمان یافته و مهم‌تر از همه بی‌ثباتی سیاسی در منطقه منجر شده است. از طرف دیگر، این منازعات عموماً ملی‌گرایی قومی را در قالب یک ایدئولوژی ترویج خواهد داد و در نتیجه تمام این عوامل باعث ناپایداری محیط امنیتی ایران خواهد شد.

رژیم حقوقی دریای خزر

افزایش تعداد کشورهای ساحلی دریای خزر از دو کشور به پنج کشور، باب مسایل جدیدی را در این حوزه گشوده است. موتور و محرک اصلی این تحرکات در بدو امر انرژی و بهره برداری از منابع نفت و گاز و سپس راه‌های انتقال به بازارهای جهانی بوده است. لیکن بلافاصله مقوله‌های نوین دیگری هم مطرح گردیدند. لزوم بازنگری در رژیم حقوقی دریای خزر و تدوین یک رژیم حقوقی جدید که پاسخگوی نیازهای جدید باشد یکی از موارد تازه بود (صابر، ۱۳۸٦: ۸۵). دولت‌های تازه استقلال یافته حاضر به پذیرش رژیم کنوانسیون دریای خزر نشدند و اعلام نمودند که با تغییرات سیاسی که در این منطقه به وقوع پیوسته است، رژیم حقوقی کنونی غیر قابل اجرا است (زرگر، ۱۳۸٦: ۱۰٦). این یک واقعیت مسلم است که مناطق مهم و استراتژیک جهان که بین چند کشور واقع شده‌اند، با توجه به این که کشورها دارای منافع متفاوت می‌باشند باعث اختلاف خواهد شد، خصوصاً اگر این کشورها در شرایط دوران گذار و تعیین جایگاه در عرصه بین‌المللی باشند (دهقان، ۱۳۸٤: ۱۵۰). این چالش ژئوپلیتیکی بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و افزایش تعداد کشورهای ساحلی دریای خزر برای ایران شکل گرفت. دخالت و نفوذ قدرت‌های فرامنطقه ای و سوء استفاده‌های روسیه از عدم مشخص بودن رژیم حقوقی دریای

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

خزر این چالش را برای ایران پیچیده‌تر کرده است. این امر به دلیل افزایش حساسیت افکار عمومی در مورد نحوه‌ی تقسیم دریای خزر در آینده با مشکلات بیشتری روبه رو خواهد شد.

رقابت در ژئوپلیتیک انرژی[۱۹] بین ایران و روسیه

برخورداری روسیه از یک پنجم منابع انرژی جهان (گاز، نفت، ذغال سنگ و اورانیوم) و نیز رشد فزاینده نیاز جهانی به مصرف انرژی خصوصاً در دو بخش گاز و نفت سبب شده است تا برخی نویسندگان و کارشناسان انرژی، از مجموعه رفتار انرژی روسیه به این نتیجه برسند که این کشور علاوه بر بهره گیری اقتصادی از فروش انرژی، می‌کوشد تا منافع سیاسی و امنیتی نیز از این رهگذر به دست آورد (کیانی، ۱۳۸٦: ۱۹۱– ۱۹۰). افزایش فزاینده نیاز اتحادیه اروپا به انرژی و مشکلات ایجاد شده در روابط انرژی روسیه و اتحادیه در سال‌های اخیر، لزوم تنوع بخشی به منابع انرژی را مورد توجه تصمیم گیران قرار داده است (حیدری، ۱۳۸۸: ۲٦) ایران با برخورداری از ذخایر عظیم نفت و گاز در جهان و با داشتن تجربه طولانی در حوزه انرژی و موقعیت جغرافیایی مناسب در خلیج فارس و دریای خزر و همسایگی با آسیای مرکزی، از امکان ایجاد پیوند میان منابع انرژی خود از جنوب، شرق و شمال شرق به وسیله خطوط لوله به مصرف کنندگان برخوردار است (واعظی، ۱۳۸٦: ۲۵). اما استراتژی انرژی روسیه به دنبال انحصاری کردن ذخائر گاز با تحکیم کنترل خود بر زیرساخت‌های استراتژیک انرژی به خصوص خطوط لوله در اروپا و اوراسیا است (راعی دهقی، ۱۳۸٦: ۲۲). نکته‌ای که ایران باید در مورد ژئوپلیتیک خطوط لوله در آسیای مرکزی مورد نظر قرار دهد این است که در صورت شکل‌گیری خطوط لوله وسیع برای انتقال انرژی از این منطقه بدون حضور ایران، ضربه‌ای سهمگین بر منافع ملی ایران در پی خواهد داشت. زیرا در صورت کشیده شدن خطوط لوله گاز و نفت با هزینه زیاد، این خطوط برای سال‌های طولانی نقش انتقال انرژی را به عهده خواهد داشت و ایران برای همیشه و یا برای مدت طولانی از نقش آفرینی محروم خواهد شد. با توجه به این شرایط روسیه به ایران اجازه نمی‌دهد چه در نقش تولید کننده و چه در نقش کشور معبر و ترانزیت انرژی (در ارتباط با کشورهای آسیای مرکزی) برای اروپا عمل کند.

۱۹ - Geopolitics of Energy

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]



نقشه شماره ۳: مسیرهای موجود و پیشنهادی انتقال انرژی در آسیای مرکزی ترسیم از: نگارندگان

حضور ناتو در آسیای مرکزی

سقوط اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری‌های سابق آن یعنی قزاقستان، ترکمنستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان را قادر ساخت تا حاکمیت ملی خود را به دست آورند. موقعیتی که برای ناتو[۲۰] امکان مطلوب بلند مدت واردکردن آنها در حوزه منافع خود را به ارمغان آورد. اولین دلیل تمایل همکاری با آسیای مرکزی خواست ناتو برای انجام هرگونه فعالیت جهت جلوگیری از بروز تهدیدات امنیتی و ثبات منطقه‌ای بوده است. موقعیت استراتژیک کشورهای آسیای مرکزی در نزدیکی به مرزهای افغانستان، به دلیل عملیات «نیروهای بین‌المللی کمک به امنیت» توجه خاص ناتو را به این کشورها موجب شده است. به علاوه موقعیت ژئوپلیتیک آسیای مرکزی که بین روسیه و چین واقع شده به ناتو فرصتی برای اجرای بهتر سیاست‌هایش در مقابل این دو قدرت جهانی می‌دهد (جانوس، ۱۳۸٦: ۱۰۷-۱۰٦). حضور ناتو در مناطق پیرامونی ایران (آسیای مرکزی)، تهدیداتی را به دنبال دارد که مهم‌ترین این تهدیدات عبارتند از: ۱- کم شدن فاصله سرزمینی نیروهای آمریکا و ناتو با جمهوری اسلامی ایران و امکان بهره برداری از آن در مواقع بحرانی. ۲- کاهش حضور و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در کشورهای منطقه و کم شدن قدرت مانور ایران در این کشورها. ۳- تهدید منافع و امنیت ملی ایران از طریق بهره برداری از اختلاف نظرهای موجود میان کشورهای منطقه به ویژه در زمینه‌ی تعیین رژیم حقوقی دریای خزر و راندن این کشورها به سوی نظامی‌گری در

۲۰ - North Atlantic Treaty Organization (NATO)

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

این دریا. ٤- تداوم و تحکیم عملیات اعضای اصلی ناتو به بهانه‌های مختلف در کنار کشور مان (برگزاری مانور نظامی با حضور یک یا چند عضو اصلی ناتو با کشورهای همسایه ایران) ٥- تعیین ساختار امنیت منطقه‌ای بدون مشارکت ایران (جاویدنیا، ۱۳۸۲: ١٦٦).

عوامل ژئوپلیتیکی با ویژگی‌های دوگانه (فرصت- تهدید)

رقابت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در آسیای مرکزی (بازی بزرگ جدید)

آسیای مرکزی در قرن نوزدهم عرصه رقابت‌های گسترده‌ای بود، که از نیمه این قرن روسیه و انگلیستان را به عنوان دو بازیگر اصلی آن روی در روی یکدیگر قرار داد. روسیه تزاری برای مقابله با رقیب قدرتمند اروپایی، حرکت به سوی هندوستان، مستعمره ارزشمند آن را هدف قرار داد، که افغانستان و آسیای مرکزی مسیر آن را مشخص می‌ساخت. رقابت دو قدرت بزرگ استعمارگر در این منطقه محدود نماند و ایران نیز در آغاز قرن بیستم دچار پیامدهای این تقابل شد. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱م. دوباره بازی بزرگ در این منطقه شکل گرفت (آسیای مرکزی) اما این بار نه دو بازیگر بلکه چندین بازیگر منطقه‌ای و بین‌المللی «بازی بزرگ جدید»[۲۱] را در آسیای مرکزی و در پیرامون دریای خزر شکل داده‌اند (کولایی، ١٣٨٤: ١١). از جمله بازیگران اصلی در منطقه ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی می‌توان به فدراسیون روسیه، ایالات متحد آمریکا و اتحادیه اروپا، جمهوری خلق چین، ترکیه، اسرائیل، جمهوری اسلامی ایران و در مراتب بعدی پاکستان و هند اشاره کرد. این کشورها از نظر میزان حضور و نفوذ در آسیای مرکزی در یک سطح نمی‌باشند و می‌توان آنها را در چهار سطح دسته بندی نمود:

۱- در سطح اول و بیشترین میزان حضور، فدراسیون روسیه قرار دارد. این کشور که منطقه آسیای مرکزی را حوزه نفوذ خود می‌داند و منافع گسترده‌ای را در آن برای خود تعریف نموده است به شدت نسبت به حضور سایر قدرت‌ها حساس می‌باشد. کشورهای آسیای مرکزی نیز به دلیل حضور بیش از ۷۰ سال در پیکره اتحاد جماهیر شوروی در زمینه‌های مختلف اقتصادی، امنیتی، نظامی، ترانزیتی و... به روسیه وابستگی شدیدی دارند. از جمله اهداف روسیه در آسیای مرکزی می‌توان به جلوگیری از حضور غرب به ویژه گسترش ناتو، (واعظی، ۱۳۸۸: ۱۱۲)کنترل خیزش‌های قومی- مذهبی، (شیخ عطار، ۱۳۷۱: ۵۸) حفظ و تداوم جامع کشورهای مستقل مشترک المنافع[۲۲] (کولایی، ۱۳۷۲: ۱۲۲) و همچنین کنترل مسیرهای ترانزیت و انتقال انرژی اشاره کرد.

۲- در سطح دوم، آمریکا، اتحادیه اروپا و چین حضور دارند. اهداف آمریکا در منطقه آسیای مرکزی بیش از آن که اقتصادی باشد ژئوپلیتیکی است. از جمله اهداف آمریکا در آسیای مرکزی می‌توان به کنترل منابع انرژی منطقه و خروج منابع و یا حداقل ترانزیت آن از مونوپولی[۲۳] روسیه (فیاضی، ١٣٨٦: ١٦٣- ١٦٢). حضور و نفوذ در قلب اوراسیا و مقابله با گسترش نفوذ چین، روسیه و ایران و همچنین مقابله با اسلام (بنیاد گرایی اسلامی) و رواج اندیشه

۲۱ - The New Great Game
۲۲ - Commonwealth of Independent States (CIS)
۲۳ - Monopoly

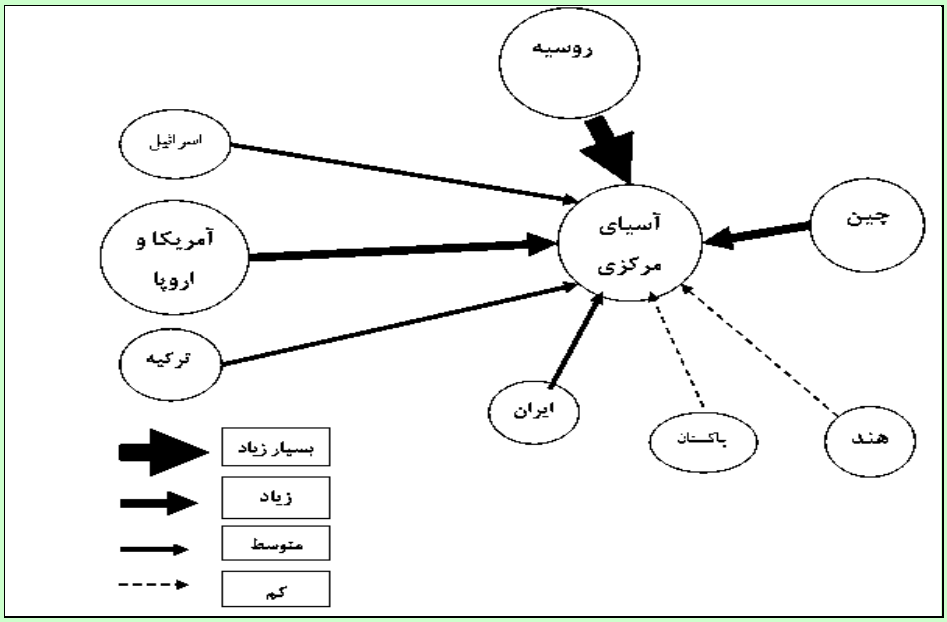
[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

اسلام سیاسی (کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۰٤) اشاره کرد. اما اروپا بر خلاف آمریکا به دنبال دستیابی به منابع انرژی منطقه برای جایگزین با واردات از روسیه می‌باشد. دلایل توجه چین به آسیای مرکزی را نیز می‌توان در سه زمینه بررسی کرد:

۱- منابع انرژی ۲- بحران‌های قومی، جدایی طلبی و افراط گرایی اسلامی ۳- امنیت ملی و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای.

۳- در سطح سوم کشورها و قدرت‌های درجه دوم ایران، ترکیه، و اسرائیل قرار دارند که هر یک اهداف و منافعی را در منطقه دنبال می‌کنند.

٤- در نهایت در سطح چهارم دو کشور هند و پاکستان قرار دارند. این دو کشور نسبت به سایر قدرت‌های ذکر شده دارای نفوذ و حضوری به مراتب کمتر در آسیای مرکزی هستند. عمده اهداف این دو کشور مربوط به ژئوپلیتیک انرژی منطقه می‌شود.



نمودار شماره ۱: میزان حضور و نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه ای در آسیای مرکزی

ترسیم از: نگارندگان

ایران در صورت بکار بردن یک دیپلماسی فعال و هوشیارانه و طراحی یک استراتژی کارآمد از رقابت شکل گرفته میان قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آسیای مرکزی در راستای اهداف و منافع خود بهره برداری کند. در واقع وجود اهداف و منافع متعارض میان قدرت‌های حاضر در این منطقه زمینه را برای بهره برداری و فرصت طلبی ایران فراهم می‌آورد.

قاچاق مواد مخدر

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

مسئله قاچاق مواد مخدر[۲۴] و شرارت‌های ناشی از آن ازجمله چالش‌های مشترک ژئوپلیتیکی برای ایران و کشورهای آسیای مرکزی بشمار می‌رود. ایران در مسیر دو منبع تولید (افغانستان) و مصرف (اروپا) مواد مخدر قرار دارد. تک جداره بودن، کوتاهی مسیر و وجود فضاهای خالی نیز بخشی از امتیازات مسیر ایران است (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۱۵۱). مسیر گذر مواد مخدر از افغانستان از مسیر مرزهای شرقی به سوی ترکیه و تا اندازه‌ای در مسیر شمال، به سمت ترکمنستان (آسیای مرکزی) انجام می‌گیرد (زرقانی، ۱۳۸۷: ۱۵۵). اهمیت جاده شمالی ایالات کوهستانی مستقل بدخشان[۲۵] و دره فرغانه به خصوص بعد از آن که ایران تلاش‌های بسیاری برای مبارزه با تجارت مواد مخدر انجام داد در حال افزایش است. امروزه تخمین زده می‌شود ٦٥ درصد مواد تولید شده در افغانستان از طریق کریدور آسیای مرکزی حمل می‌گردد (سوری، ۱۳۸٦: ۳۹). یکی از دلایل عدم موفقیت در اجرای برنامه‌های کنترل مواد مخدر در افغانستان، جریان پیش سازه‌ها از کشورهای همسایه به داخل خاک افغانستان است (لطفی، ۱۳۸۷: ٥٤٧). بیشتر پیش سازه‌ها هم از کشورهای آسیای مرکزی و پاکستان وارد این کشور می‌شود. لیکن موقعیت جغرافیایی ایران و کشورهای آسیای مرکزی که در همسایگی و مسیر ترانزیت بزرگ‌ترین کشور تولید کننده مواد مخدر جهان قرار گرفته‌اند باعث شده که این کشورها در مقابل یک تهدید مشترک ژئوپلیتیکی واقع شوند (نقشه شماره ٤) این کشورها می‌توانند از این تهدید ژئوپلیتیکی به عنوان یک فرصت استفاده کرده و برای مقابله با آن دست به یک همگرایی منطقه‌ای بزنند؛ و از آنجایی که مسئله مواد مخدر یک بحران جهانی بشمار می‌رود می‌توانند سایر کشورها (مخصوصاً کشورهای اروپایی) را برای همکاری و مساعدت (مالی و تکنولوژیکی) برای مقابله با تولید و ترانزیت مواد مخدر تحت فشار قرار دهند. ایران و کشورهای آسیای مرکزی در صورت یک همکاری مناسب افغانستان را به عنوان مهم‌ترین منبع تولید مواد مخدر در یک محاصره استراتژیک در می‌آورند. بنابراین مسأله مواد مخدر اگرچه چالشی ژئوپلیتیکی بسیار بزرگی برای جغرافیای سیاسی ایران به حساب می‌آید اما قابلیت این را دارد که به عنوان بستری برای همکاری با کشورهای آسیای مرکزی مورد توجه قرار گیرد.

۲٤ - narcotics
۲٥ - badakhshan

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]



نقشه شماره ٤: مسیرهای عمده ترانزیت مواد مخدر

www.asiantribune.com Source

بحران‌های زیست محیطی و کمبود منابع آب (ژئوپلیتیک زیست‌محیطی)[۲۶]

سه ناحیه آسیای مرکزی از نظر اکولوژیکی خطرناک محسوب می‌شوند این سه ناحیه عبارتند از: منطقه آزمایش‌های هسته‌ای سمی پلاتیسنک[۲۷] واقع در قزاقستان، دره فرغانه و دریاچه آرال[۲۸] (تقوی اصل، ۱۳۷۹: ٦٤). به خاطر تفاوت میان مرزهای هیدرولوژیک[۲۹] و سیاسی، سه کشور خارج جامعه کشورهای مشترک المنافع (افغانستان، چین و ایران) بر محیط امنیت آبی منطقه تأثیر مستقیم دارند. دو درصد از قلمرو و کمتر از یک درصد جمعیت ایران در داخل حوزه آبگیر دریاچه آرال قرار دارند (دبیری، ۱۳۸۲: ۱۱۳). علاوه بر مشکلات زیست محیطی که کانون آن در منطقه آسیای مرکزی قرار دارند، دریای خزر که ایران و دو کشور آسیای مرکزی (قزاقستان و ترکمنستان) در آن دارای مرز مشترک هستند دچار معضلات زیست محیطی است. عوامل مختلفی موجب گشته تا محیط زیست دریای خزر با مشکلات عدیده ای مواجه شود، از جمله: ۱- مسایل مربوط به صید ماهی ۲- آلودگی صنایع ۳- بهره گیری بی رویه از مواد شیمیائی در امر کشاورزی ٤- تخریب سواحل (صفوی، ۱۳۷۹: ٤٨). ٥- آلودگی رودخانه‌هایی که به دریای خزر می‌ریزند. علاوه بر اینها نوسانات سطح آب دریای خزر به ویژه در سال‌های اخیر و همچنین مشکلات بوم شناختی در ارتباط با استخراج منابع هیدروکربن[۳۰]، عوامل تهدید کننده محیط زیست دریای خزر می‌باشند (طاهری موسوی، ۱۳۸۷: ۱٤۱- ۱٤۲). یکی از عوامل تهدید آفرین ژئوپلیتکی دیگر، مسئله منابع آبی و کمبود آب در

---

۲٦ - Environmental Geopolitics
۲۷ - Semipalatinsk
۲۸ - Aral Sea
۲۹ - Hydrologic
۳۰ - Hydrocarbon

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

آسیای مرکزی است. در این منطقه توزیع نامتناسب آب، اشتراکی بودن بعضی منابع آبی میان کشورها و عدم مدیریت صحیح بر سیستم‌ها و منابع آبی در کنار روند روبه رشد جمعیت در این منطقه و استراتژی بعضی از کشورها از جمله قزاقستان، ازبکستان و تاجیکستان بر توسعه کشاورزی (پنبه، ذرت، گندم و...) و سیاست خودکفایی غذایی این کشورها و نارسایی قوانین بین‌المللی برای تخصیص منابع آبی مشترک، مشکل منابع آب را دو چندان کرده است (کسایی، ۱۳۸۳:). ایران نیز به دلیل داشتن مرزهای طولانی آبی- خاکی با این منطقه و پیوند مؤلفه‌های امنیتی‌اش با ثبات و پایداری کشورهای آسیای مرکزی از گزند پیامدهای تنش، درگیری و ناپایداری این منطقه در امان نخواهد ماند. علاوه بر این فعالیت جمهوری اسلامی ایران در منطقه در زمینه سد سازی در برخی از کشورهای بالا دست (تاجیکستان) می‌تواند زمینه واکنش منفی کشورهای پایین دست از جمله ازبکستان و ترکمنستان را به همراه داشته باشد و حساسیت‌های زیادی در مورد فعالیت‌های ایران در این منطقه ایجاد کند. اما با برنامه ریزی دقیق، تلاش برای همگرایی منطقه‌ای با ایجاد پروژه‌های مشترک زیست محیطی، پروژه‌های سازه‌های کنترل آب با علایق مشترک ایران و کشورهای آسیای مرکزی از یک طرف به عنوان فرصت‌های پیش رو برای سرمایه گذاری و انجام پروژه‌های ملی فراهم می‌آید و از طرفی دیگر ایجاد تعادل ژئوپلیتیکی[۳۱] را در منطقه با ملاحظات منافع ملی ایران و کشورهای منطقه میسر می‌سازد (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۸٦: ۱۰۲). سد دوستی که در نقطه صفر مرزی بین ایران و ترکمنستان قرار دارد و همچنین حدود ۱۱۲ کیلومتر از مرز رودخانه‌ای (هریر رود) ایران و ترکمنستان را نیز تشکیل می‌دهد (کاویانی راد، ۱۳۸٤: ۳۵۰) نمونه یک همکاری در زمینه آب است. در واقع اگرچه به طور بالقوه بحران‌های زیست محیطی و مسأله کمبود منابع آب و توزیع آن چالشی ژئوپلیتیکی برای ایران در منطقه آسیای مرکزی محسوب می‌گردد. اما با استفاده صحیح از ظرفیت‌های ایران در زمینه سد سازی و همچنین تلاش برای ایجاد یک همگرایی برای مقابله با تهدیدات زیست محیطی در بین کشورهای آسیای مرکزی، ایران قادر است این تهدید را تبدیل به فرصت کرده و از آن برای نیل به اهداف و منافع خود در منطقه استفاده کند.

بحث و نتیجه‌گیری

استقلال کشورهای آسیای مرکزی و از بین رفتن کانون تهدید شوروی از مرزهای شمالی ایران، فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای ایران به همراه داشته است. در این میان، فرصت‌های ایران در این منطقه دارای ماهیتی ژئوپلیتیکی و پایدار می‌باشند. پیوندها زبانی، قومی، فرهنگی و تمدنی با کشورهای آسیای مرکزی و ویژگی‌ها و موقعیت جغرافیایی ایران برای این کشورها از ثبات و پایداری برخوردار بوده و به عنوان عوامل زیربنایی در ایجاد یک رابطه مستحکم بر اساس منافع ملی مورد توجه قرار می‌گیرد. این فرصت‌های ژئوپلیتیکی به شکلی است که هیچ یک از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای واجد چنین فرصت‌هایی نمی‌باشند و از این منظر موقعیت ایران برای کشورهای آسیای مرکزی منحصر به فرد است اما تاکنون ایران نتوانسته است آنچنان که باید از این فرصت‌های ژئوپلیتیکی استفاده کند.

۳۱ - Geopolitical Balance

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

مهم‌ترین چالش‌های پیش روی ایران در منطقه آسیای مرکزی عبارتند از: رژیم حقوقی دریای خزر، افراط گرایی اسلامی و بحران‌های قومی، اختلاف با روسیه در مورد ژئوپلیتیک انرژی و در نهایت حضور ناتو در این منطقه. در میان این عوامل، رژیم حقوقی دریای خزر، افراط گرایی اسلامی و بحران‌های قومی ناشی از تغییر و تحولات شکل گرفته در درون منطقه می‌باشند. هرچند که دخالت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه ای در تشدید و اوج گرفتن این بحران‌ها بی تأثیر نخواهد بود، به همین دلیل این چالش‌های ژئوپلیتیکی را جزو تهدیدات درون منطقه‌ای برای ایران خواند. علاوه بر این، اختلاف و رقابت ایران و روسیه در زمینه ژئوپلیتیک انرژی در آسیای مرکزی (ترانزیت انرژی) را یک چالش ژئوپلیتیکی منطقه‌ای بین دو قدرت همسایه با کشورهای آسیای مرکزی دانست و نهایتاً حضور نیروهای نظامی غرب و ناتو در آسیای مرکزی یک چالش ژئوپلیتیکی فرامنطقه‌ای برای ایران به شمار می‌رود. بنابراین چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران در آسیای مرکزی را از لحاظ مقیاس به چالش‌های درون منطقه‌ای (رژیم حقوقی دریای خزر، افراط گرایی اسلامی و بحران‌های قومی)، منطقه‌ای (رقابت در ژئوپلیتیک انرژی با روسیه) و فرامنطقه‌ای (حضور آمریکا و ناتو) تقسیم می‌شوند.

برخی از عوامل ژئوپلیتیکی در آسیای مرکزی برای ایران دارای ویژگی‌های دوگانه می‌باشند یعنی هم می‌توانند به عنوان یک فرصت مورد بهره برداری قرار گیرند و یا به عنوان یک تهدید، منافع و امنیت ملی کشور را به مخاطره بیندازند. این عوامل عبارتند از: مسأله مواد مخدر، بازی بزرگ جدید و بحران‌های زیست محیطی و کمبود منابع آب. مسأله مواد مخدر اگرچه تهدید بزرگ جغرافیای سیاسی ایران به شمار می‌رود؛ اما از آنجایی که مسأله مواد مخدر و پیامدهای ناشی از آن یک تهدید مشترک بین ایران و کشورهای آسیای مرکزی و حتی سایر کشورهای منطقه (چین و روسیه) به شمار می‌رود. این چالش ژئوپلیتیکی به عنوان زمینه‌ای برای تشریک مساعی بین ایران و کشورهای آسیای مرکزی برای جلوگیری و ترانزیت مواد مخدر از افغانستان فراهم می‌آورد. بنابراین ایران قادر است این چالش ژئوپلیتیکی را فرصتی برای ایجاد ارتباط و نزدیکی بیشتر با کشورهای آسیای مرکزی قرار دهد. چالش ژئوپلیتیکی دیگری که ایران می‌تواند از آن به عنوان یک فرصت بهره برداری کند، رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آسیای مرکزی است (بازی بزرگ جدید). اگرچه این رقابت‌ها باعث شکل‌گیری ساختاری ناپایدار و شکننده در منطقه شده است و به دلیل داشتن مرزهای طولانی ایران با آسیای مرکزی این امر بر امنیت ملی ایران تأثیر منفی می‌گذارد. لیکن ایران می‌تواند از منافع و اهداف متعارض این کشورها در منطقه بهره برداری کند. در نهایت وجود بحران آب و مسأله زیستی که در منطقه بسیار جدی است. با توجه به فعالیت سد سازی ایران در برخی از کشورهای این منطقه می‌تواند برای ایران چالش ساز باشد. ایران باید از این توانایی خود به شکل مطلوب بهره گیرد و بتواند با تکنولوژی و توانایی‌هایش در امر سد سازی و نیروگاه‌های برقی نقش میانجی را در بحران آب در منطقه بازی کند.

ماتریس شماره ۱: فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران در آسیای مرکزی (SWOT)

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]



بنابراین هر سه فرضیه این مقاله که شامل پیوندهای زبانی، قومی و تمدنی، مزیت‌های متقابل جغرافیایی و سازمان‌های منطقه‌ای به عنوان فرصت‌های ژئوپلیتیکی؛ رژیم حقوقی دریای خزر، افراط گرایی اسلامی و بحران قومی، گسترش ناتو و اختلاف با روسیه در زمینه انرژی به عنوان چالش‌های ژئوپلیتیکی و همچنین مسأله مواد مخدر، رقابت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه ای و بحران آب و مسائل زیست محیطی به عنوان عوامل دارای ویژگی‌های دوگانه (فرصت و تهدید) مورد تائید قرار گرفت.

قدردانی

مقاله حاضر مستخرج از طرح تحقیقاتی با عنوان «نقش عوامل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی در مناسبات جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آسیای مرکزی» می‌باشد که برای دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دکتر علی شریعتی) دانشگاه فردوسی مشهد انجام شده است. به این وسیله از حمایت‌های دانشکده فوق قدردانی می‌گردد.

منابع

۱- ابراهیمی ترکمان، ابوذر؛ (۱۳۸۵)، «نقش فرهنگ در روابط ایران و آسیای مرکزی»، ***ماهنامه تحولات روسیه***، آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱٤، صص ۵- ۱

۲- اخوان کاظمی، مسعود؛ (۱۳۸۵)، «سازمان همکاری شانگ‌های: اهمیت ژئواستراتژیک»، ***فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز***، شماره ۵۵.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

۳- افشردی، محمدحسین (۱۳۸۵)، «ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، تعداد صفحات ص ۵۳۲

٤- تقوی‌اصل، عطا (۱۳۷۹)، «ژئوپلیتیک جدید ایران: از قزاقستان تا گرجستان»، تهران، وزارت امور خارجه، تعداد ص ۲۷٤.

۵- جانوس، باربارا (۱۳۸٦)، «کشورهای آسیای مرکزی در سیاست ناتو: چشم انداز همکاری آینده»، ترجمه سعید طالبی، ***فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز***، شماره ۵۹، صص ۱۱۸- ۱۰۵.

٦- جاویدنیا، کیومرث (۱۳۸۲)، «گسترش ناتو به شرق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، کتاب اروپا (۲)، «ویژه‌ای روابط ایران و اتحادیه اروپا»، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران

۷- حافظ نیا، محمد رضا، کاویانی راد، مراد (۱۳۸۳)، «***افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی***»، تهران، انتشارات سمت، تعداد کل ص ۲۷۲.

۸- حافظ نیا، محمد رضا، شمس دولت آبادی، محمود، افشردی، محمدحسین (۱۳۸٦)، «علایق ژئوپلیتیکی ایران در آسیای مرکزی و فرصت‌های پیش‌رو»، ***فصلنامه ژئوپلیتیک***، سال سوم، شماره سوم، صص ۱۲۲- ۸۰

۹- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، «***اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک***»، مشهد، انتشارات پاپلی، تعداد کل ص ٤۰۰

۱۰- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۷۹)، «***وضعیت ژئوپلیتیک پنجاب در پاکستان***»، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.

۱۱- حیدری، محمدعلی (۱۳۸۸)، «ناباکو، امنیت انرژی اروپا و بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای»، ***فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز***، شماره ٦٦.

۱۲- خانی، محمدحسن (۱۳۸۵)، «از هلسینکی تا شانگ‌های: نگاهی به سازمان‌های منطقه‌ای در آسیای مرکزی»، ***فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز***، شماره ۵۳، صص ٤٤- ۳۳

۱۳- دبیری، محمد رضا (۱۳۸۲)، «***امنیت در آسیای مرکزی چارچوب نوین بین‌الملل***»، تهران، دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی

۱٤- دهقان، فتح ا.. (۱۳۸٤)، «***دریای خزر و امنیت ملی ایران***»، تهران، موسسه فرهنگی هنری بشیر علم و ادب، تعداد کل ص ۲۱۸.

۱۵- راعی دهقی، مرتضی (۱۳۸٦)، «روسیه و اتحاد اروپایی: استراتژی متقابل انرژی»، ***فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز***، شماره ٦۰.

۱٦- رضایی، محسن (۱۳۸٤)، «***ایران منطقه‌ای***»، چاپ دوم، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تعداد کل ص ۲٦۳.

۱۷- زرگر، احمد (۱۳۸٦)، «همگرایی و واگرایی در روابط ایران و هندوستان»، ***فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز***، شماره ۵۷.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

۱۸_ زرقانی، سید هادی (۱۳۸۷)، «عوامل ژئوپلیتیکی موثر بر کارکرد مرز»، ***فصلنامه راهبرد دفاعی***، سال ششم، شماره بیستم، صص ۱۶۱- ۱۳۱.

۱۹- سوری، امیر محمد (۱۳۸٦)، «***ماهنامه تحولات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز***»، شهریور و مهر ۱۳۸٦، صص ۳۸ -٤٥.

۲۰- سنایی، مهدی (۱۳۸٦)، «همکاری منطقه‌ای در آسیای مرکزی و نقش ایران»، مجموع مقالات چهاردهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز، سازمان همکاری شانگ‌های: فرصت‌های پیش‌رو، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

۲۱- شکاری، عبدالقیوم (۱۳۸۵)، «مبارزه با تروریسم و جنبه‌های متعارض آن در آسیای مرکزی»، ***فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز***، شماره ٥٦، صص ۱۲۰- ۱۰۷.

۲۲- شریبانی، قوام (۱۳۸۷)، «***امنیت ایران و رویکرد ناتو در آسیای مرکزی***»، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تعداد کل ص ۳۷۱.

۲۳- شیخ عطار، علیرضا (۱۳۷۳)، «***ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز***»، مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، تهران، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تعداد ص ۲۳۵.

۲٤_ طاهری موسوی، معصومه (۱۳۸۷)، «***جغرافیا و استراتژی ملی با تاکید بر استراتژی سیاسی***»، تهران انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تعداد ص ۲٤٤.

۲۵- صابر، مجید (۱۳۸٦)، «نگاه ایران به دریای خزر: اعتماد سازی، امنیت و ثبات»، ***فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز***، شماره ٦۰.

۲٦- صفوی، یحیی (۱۳۷۷)، «***جغرافیای سیاسی و نظامی ایران***»، تهران انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).

۲۷- فیاضی، محسن (۱۳۸٦)، «رقابت پیرامون انرژی آسیای مرکزی و قفقاز»، ***فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز***، شماره ٦۰.

۲۸- قوام، عبدالعلی (۱۳۸٤)، «فرهنگ: بخش فراموش شده و یا عنصر ذاتی نظریه روابط بین‌الملل»، ***فصلنامه سیاست خارجی***، سال نوزدهم، تابستان ۱۳۸٤، صص ۳۰۳- ۲۹۱.

۲۹- کاویانی راد، مراد (۱۳۸٤)، «مناسبات هیدروپلیتیک ایران و افغانستان»، ***فصلنامه مطالعات راهبردی***، سال هشتم، تهران.

۳۰- کاویانی راد، مراد (۱۳۸۹)، «***ناحیه‌گرایی در ایران از منظر جغرافیای سیاسی***»، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۸۹. تعداد صفحات ۲۷٦.

۳۱- کسایی، علی رضا (۱۳۸۳)، «بحران آب در آسیای مرکزی و چرخش در سیاست خارجی»، ***فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز***، سال سیزدهم شماره ٤.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

۳۲ _ کریمی پور، یدا.. (۱۳۷۹)، «***مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان***»، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم تهران، تعداد ص ۲٤٤.

۳۳ _کولائی، الهه (۱۳۸٤)، «***بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی زمینه‌ها و چشم‌اندازها***»، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تعداد ص ۲۲۷.

۳٤- کولائی الهه (۱۳۷٦)، «***سیاست و حکومت در آسیای مرکزی***»، تهران، انتشارت سمت، تعداد ص ۲۵۱.

۳۵- کیانی، داود (۱۳۸٦)، «سیاست انرژی روسیه در برابر اتحادیه اروپا»، ***فصلنامه سیاست خارجی***، سال بیست و یکم، بهار ۱۳۸٦، صص ۲۰۵- ۱۸۱.

۳٦- گلی زواره، غلام رضا، (۱۳۷۳)، «***جغرافیایی تاریخی و سیاسی آسیای مرکزی***»، قم، ناشر: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، تعداد ص ۳٦۸

۳۷- لطفی، امیرعباس (۱۳۸۷)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و مسأله مواد مخدر»، ***فصلنامه سیاست خارجی***، سال بیست و دوم، تابستان، صص ٥٥٤- ٥٤٥

۳۸- محمودی، مرتضی (۱۳۸٦)، «آسیای مرکزی و رشد همکاری چند جانبه ایران و تاجیکستان»، ***فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز***، شماره ۵۸، صص ٤۷- ۷.

۳۹- میرزائی، محمد (۱۳۸۵)، «سازمان همکاری اقتصادی در حال تحول و توسعه»، ***فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز***، شماره ۵۳، صص ۱۵۸- ۱۲۱.

٤۰- موير، ریچارد (۱۳۷۹)، «***درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی***»، ترجمه دره میرحیدر، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تعداد ص ۵۳۷

٤۱- نوروزی، حسین (۱۳۸٦)، «***ماهنامه تحولات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز***»، شهریور و مهر، صص ۱۰- ٦.

٤۲- واعظی، محمود (۱۳۸۸)، «***ژئوپلیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز (بنیان‌ها و بازیگران)***»، تهران، انتشارت وزارت امور خاجه.

٤۳- واعظی، محمود (۱۳۸٦)، «الگوی آسیای امنیت انرژی، مسیری برای همکاری»، ***نشریه مرکز تحقیقات استراتژیک راهبرد***، شماره ٤۳.

٤٤- واعظی، محمود (۱۳۸۸)، «منافع روسیه و غرب در آسیای مرکزی و قفقاز و نقش تشکل‌های چند جانبه»، ***فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز***، شماره ٦٦.

٤۵- یوسفی، صامع (۱۳۸٦)، «جمهوری اسلامی ایران و سازمان همکاری شانگ‌های»، مجموع مقالات چهار دهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز، سازمان همکاری شانگهای: فرصت‌های پیش‌رو، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]

٤٦- Oldberg, Ingmar (٢٠٠٧), "The Shanghai Cooperation: Powerhouse or Paper Tiger?" Issuing organization FOI- Swedish Defence Research Agency Defence Analysis SE- ١٦٤ Stockholm.

٤٧- www.arirusila.wordpress.com.

[Downloaded from geographical-space.iau-ahar.ac.ir on 2026-10-31]